

مسئولیت مدنی پلیس در جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی عبدالله پور^۱ علی آجودانی^۲

چکیده:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمان پلیس عهده‌دار وظایف متعدد، متنوع، سخت و مسئولیت‌آور است. اجرای صحیح وظایف و مقررات توسط کارکنان پلیس مورد تأکید قانون‌گذار و خواست جامعه بوده است. که بخش مهمی از وظایف قانونی مربوط به برقراری نظم و امنیت، پیشگیری از جرم، تعقیب و دستگیری مجرمین، اجرای دستورات مقام قضایی، اجرای احکام مدنی و کیفری، در ابعاد مختلف آن و همچنین بخش عمده‌ای از خدمات انتظامی و غیرانتظامی از قبیل صدور گواهی‌نامه، گذرنامه، امور وظیفه عمومی، پلیس بین‌الملل و امور ضابطین بر عهده سازمان پلیس قرار داده شده است و در کمتر قانونی می‌توان ردپا و جلوه‌ای از مأموریت‌های سازمان پلیس را مشاهده نمود. گستردگی و تنوع مأموریت‌ها تا حدی است که بیش از هر نهاد، سازمان یا ارگان دیگری مأموریت پلیس را با زندگی اشخاص (حقیقی و حقوقی) مرتبط می‌سازد، ضرورت قانونی بودن اقدامات و رسیدگی‌ها، سازمان و کارکنان پلیس را مکلف می‌سازد تا در چارچوب قوانین به انجام آن مبادرت ورزند. گاهی ممکن است انجام وظایف محوله، موجبات وقوع حوادث زیان‌بار و ایراد خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه سبب تحقق مسئولیت کیفری یا مدنی برای کارکنان و یا سازمان پلیس را فراهم آورده که آشنایی کارکنان پلیس با مصادیق مسئولیت مدنی پلیس و لزوم جبران خسارت و زیان وارده اعم از مادی و معنوی در اثر اقدامات آنان و تقلیل حوادث افعال زیان‌بار و در نتیجه دقت بیشتر آنان در انجام مأموریت‌ها و آشنایی زیان‌دیدگان با موارد مسئولیت و موارد معافیت کارکنان و سازمان پلیس و ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش مسئولیت مدنی پلیس پیشنهاد گردیده و با گذری اجمالی بر قواعد، مبانی و منابع عام و خاص مسئولیت مدنی پلیس مورد توجه قرار گرفته است و مصادیق قانونی مسئولیت مدنی پلیس با بررسی مواد مرتبط در قانون اساسی، مجازات اسلامی، مسئولیت مدنی، شیوه‌های جبران خسارت، قانون بکارگیری سلاح و قانون مدنی، مورد بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

^۱ - دانشجوی دکترای حقوق - مدیر گروه حقوق دانشگاه جامع علمی کاربردی جهاد دانشگاهی سمنان

^۲ - کارشناسی حقوق - دانشگاه جامع علمی کاربردی جهاد دانشگاهی سمنان

واژگان کلیدی: سازمان پلیس، کارکنان پلیس، مسئولیت مدنی، جبران خسارت.

مفاهیم، مبانی و منابع مسئولیت مدنی پلیس

مسئولیت مدنی:

مسئولیت مدنی که گاهی از آن به مسئولیت جبران ضرر و زیان نیز تعبیر می‌شود از مباحث مهم حقوقی است «مسئولیت» کلمه‌ی عربی است و معادل فارسی آن عبارت «پاسخگویی» است که معنای آن از لحاظ لغوی، تا حدودی واضح و روشن است و ابهامی ندارد. در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور شده است. مسئولیت عبارت از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی است که عرفاً به او استناد داده می‌شود که ضمانت اجرای قانونی آن بر حسب نوع مسئولیت متفاوت است، مثلاً مسئول بودن در امور کیفری، عبارت از تحمل مجازات قانونی مترتب جرم می‌باشد ولی مسئول بودن در امور مدنی، عبارت از التزام به جبران خسارت ناشی از فعل به حکم قانونی می‌باشد.

مفهوم مسئولیت مدنی:

مسئولیت مدنی یعنی مسئولیت پرداخت خسارت. بنابراین هر جا که شخص در برابر دیگری مسوول جبران خسارتی باشد در آنجا مسئولیت مدنی وجود دارد. علیهذا مسئولیت مدنی جزو «وقایع حقوقی» است چون حتی در جایی که شخص عمداً به دیگری ضرر می‌زند یا از اجرای قراردادی خودداری می‌کند، قصدش مسئولیت خود نیست بلکه مسئولیت را قانون بر او تحمیل می‌کند.

تعریف مسئولیت مدنی:

ارائه تعریف از مسئولیت مدنی کمی دشوار به نظر می‌رسد زیرا در تعریف بایستی به معنای مسئولیت مدنی که مرکز تضارب افکار است نیز اشاره شود و به تعبیر برخی از حقوقدانان اگر در بین مباحث حقوقی مدنی سزاوار باشد، مستقیماً به موضوع می‌پردازیم. بدون توجه به تعریف آن، همین بحث مسئولیت مدنی خواهد بود به هر حال تعریف متعددی از مسئولیت مدنی به عمل آمده است که به دو مورد اشاره می‌شود.

۱. مسئولیت مدنی حالتی است که قانوناً شخص ملزم است ضرری را که به دیگری به واسطه خطای خود ایراد نموده جبران نماید.

نظریه فوق مبتنی بر خطا یا تقصیر است و برای تحقق مسئولیت وجود ضرر را کافی نمی‌داند.

۲. مسئولیت مدنی تعهداتی است که بر دوش فرد گذاشته می‌شود و ناشی از فعالیت‌های اوست حتی در صورتی که مرتکب خطا یا تقصیر نشده باشد تعریف مزبور که به ساواتیه نسبت داده می‌شود به موضوعی بدون ملاک مسئولیت مدنی اشاره می‌کند.

مهمترین بحثی را که ما را در شناخت مسئولیت مدنی کمک و یاری می‌کند بررسی مبنای مسئولیت مدنی است.

مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری همانند مسئولیت مدنی از آزادی اراده شخص نشأت می‌گیرد در قدیم این دو مسئولیت با هم مخلوط بوده است. مجازات کسی که جرمی مرتکب می‌شد در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به قربانی خود بود، چنان که «دیه» در حقوق اسلام نیز همین مفهوم را داشت. شرط تحقق مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری این است که در هر دو مورد، شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود النهایه در مورد مسئولیت مدنی، ضرر وارد، متوجه یک شخص بخصوصی است در حالی که در مسئولیت کیفری، ضرر متوجه جامعه می‌باشد. روابط مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری که کاملاً با یکدیگر فرق دارند که با اشاره به دو مطلب ذیل کاملاً مشخص می‌شود.

۱. مسئولیت کیفری به دنبال خود مجازات دارد و اگر پرداخت وجهی باشد خود نوعی مجاز است ولی در مسئولیت مدنی جبران زیان مادی است که بر افراد وارد آمده است.

۲. در مسئولیت کیفری اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» اصلی مهمی است یعنی هیچ جرم و هیچ مجازاتی نیست مگر به موجب قانون، ولی در مسئولیت مدنی اصل این است که هر کس به دیگری زینانی وارد آورد باید جبران کند.

اهداف مسئولیت مدنی: اهداف مسئولیت مدنی بحث بر سر این است که این نوع مسئولیت در عمل چه نیازها و چه هدف‌هایی را برآورده می‌سازد. مرسوم است که می‌گویند در هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان دیده و تسلی خاطر وی، مجازات خطا کار و بازداشتن فاعل و دیگران از

ارتکاب مجدد فعل زیان‌بار و ایجاد صلح و ثبات و برقراری اخلاقی خاصی در جامعه است» که به گوشه‌ای از نظرات بزرگان حقوق در این خصوص می‌پردازیم.

الف: جلب رضایت زیان‌دیده

هر فرد نسبت به اموال خود دارای تعلقات مثبتی می‌باشد که موجبات نوعی دلبستگی میان فرد و اموال وی را به وجود می‌آورد. زمانی که فعل زیان‌باری موجب بروز ضرر به شخص دیگر می‌شود، اولین نتیجه بر ذهن مالک مبنی بر بروز ناراضی از ورود خسارت بر مال خود می‌باشد. عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که هدف نهایی از قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت نیست بلکه تمامی مبالغ بهانه‌ای برای جلب رضایت زیان‌دیده می‌باشد.

ب: مجازات خصوصی عامل

هر شخص که فعل زیان‌باری را انجام می‌دهد موجبات ناراضی افراد دیگر را فراهم آورده است که تنبیه فاعل ابتدایی‌ترین عامل در جلوگیری از تکرار این اعمال است. مدافعان این نظریه معتقدند که اولاً فاعل باید خود پیامدهای فعل زیان‌بار را تحمل نماید و ثانیاً تحمیل نتایج فعل زیان‌بار بر فاعل موجبات تنبیه فاعل و عدم تکرار عمل را فراهم می‌آورد.

ج: برقراری عدالت

برای حفظ و ثبات عدالت در جامعه تحمیل ضرر وارده برمتجاوز ضروری می‌باشد. چرا که وی با عمل خلاف قانون خود موجبات ورود ضرر به دیگری را فراهم نموده است و هم‌اکنون باید جهت تنبیه وی و برقراری عدالت، جبران ضررهای وارده را از وی مطالبه نمود.

د: احقاق حق زیان‌دیده

اسلام هدف مسئولیت مدنی را احقاق حق زیان‌دیده می‌داند. فقها معتقدند که جبران زیان وارده شده بر مفعول، نه تنها حق مفعول بوده بلکه حق برگردن فاعل می‌باشد که با جبران این ضرر دین خود را در برابر مفعول ادا می‌نماید.

تعریف پلیس:

پلیس عبارت است از یک سازمان دولتی که مأموریتش حمایت از قانون اساسی جلوگیری از تخطی و تأمین نظم عمومی و حفظ جان و مال اشخاص است ناگفته پیداست که منظور ما از به کار بردن واژه پلیس در این پژوهش مأموران پلیس در مفهوم خاص یعنی مجری قانون و مأمورانی که برقراری نظم و امنیت را در سطح کشور بر عهده دارند، می‌باشد.

اقسام پلیس:

سازمان پلیس با توجه به وظیفه‌ای که به موجب قوانین و مقررات مربوطه به وی محول شده است واجد اهمیت ویژه‌ای می‌باشد و به اقسام مختلف تقسیم شده است از قبل پلیس اداری و قضایی و پلیس عمومی و خصوصی را که مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اهداف پلیس:

سازمان پلیس بنا به گستردگی مأموریت‌های انتظامی و امنیتی و قضایی که بر اساس قوانین موضوعه از جمله قانون تشکیل نیروی انتظامی ۱۳۶۹ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و قوانین مجازات اسلامی و مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲ و سایر قوانین کیفری بر عهده دارد ممکن است دچار نقض برخی از اصول اساسی این مأموریت‌ها و یا نقض قوانین گردیده و موجبات مسئولیت کیفری یا حقوقی خود را فراهم آورد. اگر چه برخی از جرایم صرفاً جنبه‌ی عمومی دارند و مسئولیت مدنی در آن‌ها محقق نیست لیکن جرایم بسیاری از جمله جرایم دارای جنبه خصوصی و حق الناس علاوه بر جنبه‌ی عمومی و کیفری خود دارای جنبه مدنی (جبران خسارت) نیز هستند. بنابراین ارتکاب برخی جرایم توسط کارکنان پلیس و با تصمیمات اشتباه سازمان یا مسئولین سازمان ممکن است منجر به تحقق مسئولیت کیفری و مدنی تبعی سازمان یا کارکنان آن گردد.

بخشی از این وظایف را که در موادی از آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین آمده است می‌توان تحت عنوان وظایف انتظامی، امنیتی و پیشگیری مطرح نمود. این وظایف عبارتند از:

الف: وظایف قضایی شامل:

۱. کشف جرم
۲. بازجویی مقدماتی
۳. حفظ آثار و دلایل جرم
۴. جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
۵. ابلاغ اوراق قضایی
۶. اجرای تصمیمات قضایی

علاوه بر وظایف کشف جرم، در مقام احصاء وظایف قضایی کارکنان و سازمان پلیس پس از مرحله وقوع جرم، تحقق و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار و اختفای متهم، وظایف دستگیری و مراقبت و ملازمت و بدرقه مظنونین، متهمین، مرتکبین، مجرمین و محکومین نیز اضافه شده است.

ب: وظایف انتظامی و امنیتی و پیشگیری پلیس (بر اساس ماده (۴) قانون تشکیل نیروی انتظامی (۱۳۶۹) که عبارتند از:

۱. استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی.
۲. مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هر گونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات.
۳. تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها، و فعالیتهای قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و راهپیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش، بی‌نظمی و فعالیتهای غیر مجاز.
۴. اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمان‌ها و یگان‌های اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آن‌ها.

۵. حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آن‌ها به استثناء موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی، که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۶. حفاظت از مسئولین و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به استثناء داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی، مگر در مواردی که بنا به تشخیص شورای عالی امنیت ملی اصل انقلاب و یا دستاوردهای آن در معرض خطر باشد که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

۷. جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه با هماهنگی وزارت اطلاعات برابر طرح‌های مصوب شورای امنیت کشور.

۸. انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

الف. مبارزه با مواد مخدر.

ب. مبارزه با قاچاق.

ج. مبارزه با منکرات و فساد.

د. پیشگیری از وقوع جرم.

ه. کشف جرایم.

و. بازرسی و تحقیق.

ز. حفظ آثار و دلایل جرم.

ح. دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آن‌ها.

ط. اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

۹. انجام امور مربوطه به تشخیص هویت و کشف علمی جرم.
۱۰. مراقبت و کنترل از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها.
۱۱. اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (به جز گذرنامه سیاسی و خدمت)، ورود و اقامت اتباع خارجی (با هماهنگی وزارت امور خارجه تحت پوشش دیپلماتیک) با هماهنگی وزارت اطلاعات (در مورد ورود و خروج و اقامت اتباع خارجی و صدور گذرنامه).
۱۲. اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزیع و حفظ حریم راه‌های کشور.
۱۳. اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی.
۱۴. نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن مذکور برابر مقررات مصوب.
۱۵. همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور.
۱۶. همکاری با دبیرخانه پلیس بین الملل (اینترپول).
۱۷. همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و شهرداری‌ها در حدود قوانین و مقررات مربوط.
۱۸. همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط در جهت ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به منظور کاهش جرایم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.
۱۹. انجام امور امدادی و مردم‌یاری در مواقع ضروری ضمن هماهنگی با مراجع ذی‌ربط.
۲۰. سازماندهی، تجهیز، آموزش یگان‌های انتظامی و آماده کردن آن‌ها جهت اجرای مأموریت محوله
۲۱. تأمین و حفاظت تأسیسات، سربازخانه‌ها و قرارگاه‌های مربوط.

۲۲. تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط، در حد برد سلاح ضد هوایی سازمانی، با هماهنگی و کنترل عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران.

۲۳. تأمین نیازهای پزشکی پرسنل و اداره بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مربوط.

۲۴. تهیه طرح نیازمندی‌های لجستیکی و اقدام در جهت تهیه و خرید اقلام خدماتی که از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده نیروهای انتظامی واگذار می‌گردد. همچنین اقدام جهت خرید املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرح‌های مصوب.

۲۵. تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی.

۲۶. تلاش مداوم و مستمر در جهت حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی.

علاوه بر وظایفی که در مواد بالا ذکر شد، در ماده (۴۲) قانون آ.د.ک مقامات رسمی و مأمورین پلیس نیز مکلف شده‌اند تا دستورات مقامات قضایی را فوری به موقع اجرا گذارند. همچنین تصریح گردیده که متخلفین از این مقرر قانون به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردند. این مقرر قانونی در واقع تکرار بخش‌هایی از وظایفی است که در ماده (۴) ق. نیروی انتظامی و ماده (۱۵) به بعد ق. آ.د.ک و مواد (۵۷۰) به بعد ق.م. اسلامی ۱۳۷۵ آمده است.

همچنین در ماده (۴۳) قانون آ.د.ک با طبقه بندی جرایم به جرایم منافی عفت و جرایم غیر منافی عفت، به مقامات قضایی صرفاً اجازه داده شده تا در غیر موارد منافی عفت، اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیمات لازم به ضابطین ارجاع نمایند.

قانون‌گذار در ماده (۴۵) مخفی بودن متهم یا معین نبودن و یا عدم دسترسی به او را دلیل موجهی برای توقف اقدامات ضابطین در خصوص کشف و تحقیقات راجع به جرم نمی‌داند.

غیر از مواد قانونی مذکور، به موجب ماده (۲۲۱) همین قانون رسیدگی به جرایم اطفال صرفاً توسط دادگاه انجام خواهد شد که با توجه به پیش‌بینی تخصصی اطفال و نوجوانان در لایحه آیین دادرسی کیفری پیشنهادی قوه قضاییه، به نظر می‌رسد که به تصویب این لایحه ممنوعیت انجام

اقدامات کشف جرایم اطفال از سوی کارکنان پلیس نیز بر طرف شود.

با تصویب قانون اصلاح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، تغییرات خاصی در وظایف و اختیارات سازمان و کارکنان پلیس ایجاد نگردید. البته ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری که به موجب ماده (۱۷) قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ بر عهده روسای حوزه قضایی بود، با اصلاح و جایگزینی با بند «ب» ماده (۳) به دادستان محول شد.

با توجه به مقررات قانونی ناظر بر وظایف و اختیارات پلیس، می‌توان وظایف و اختیارات آنان به طور کلی به چهار دسته تقسیم نمود: دسته اول؛ آن دسته از وظایف و اختیاراتی است که در مقررات قانونی رأساً از سوی قانون‌گذار تصریح شده است. دسته دیگر از این وظایف و اختیارات ناظر به وظایف و اختیاراتی است که مقامات قضایی اعم از مقامات دادرسی و مقامات دادگاه به موجب تجویز قانون‌گذار به آنان ارجاع می‌نمایند. دسته سوم ناظر بر تکالیف انتظامی و پیشگیری است و چهارمین گروه از وظایف این سازمان، به خدمت اداری و انتظامی اختصاص دارد که به اختصار درباره آنان اشاراتی شد.

نظریه تساوی شهروندان در برابر هزینه‌های عمومی:

بر اساس این نظریه عموم شهروندان عهده‌دار کلیه هزینه‌هایی هستند که بر عهده‌ی دولت است، اعم از آن که این هزینه‌ها بابت تأمین منافع عمومی می‌باشد یا بابت استقرار نظم صرف شده باشد. بر این اساس اگر از عمل سازمان‌های دولتی زینانی به شخص یا اشخاصی وارد آید این خسارت نیز می‌بایست از محل بودجه‌ی عمومی تأمین شود. در واقع در چنین مواردی هزینه‌های پرداختی از سوی اشخاص همچون مالیاتی است که بابت هزینه‌های عمومی می‌پردازند.

حسن این نظریه در آن است که می‌تواند در توجیه تکلیف دولت به جبران خسارات ناشی از «اعمال حاکمیت» و نیز جبران خسارات ناشی از تصویب و اجرای برخی از قوانین زیان‌بار به کار آید. هرگاه عمل حاکمیت دولت به منظور فراهم آوردن یک بهره اقتصادی یا اجتماعی معین بوده که منتهی به ضرر عده‌ای گردیده است، زیان‌دیدگان بر مبنای این قاعده حق دارند که جبران خسارات خود را خواستار شوند. زیرا هیچ کس نمی‌تواند به ضرر دیگری و بدون سبب دارا گردد. همچنین اگر اجرای قانون خاص که متضمن منفعت همگانی است هزینه‌ای را بر یک شخص خصوصی تحمیل کند دولت باید به نمایندگانی از جامعه خسارت او را با پذیرش این هزینه جبران نماید.

نظریه تضمین حق:

در پاسخ به ایرادی که بر «نظریه خطر» مطرح می‌شد، عده‌ای نظریه «تضمین حق» را مطرح کرده‌اند. به موجب این نظریه مبنای مسئولیت در چنین مواردی تضمین قانون‌گذار است. زیرا هر کس حق دارد در جامعه سالم زندگی کند و از اموال خود سود ببرد و قانون از این حق حمایت می‌کند. اگرچه محکوم کردن کسی که خطایی مرتکب نشده، محکوم کردن بی‌گناه است؛ ولی قربانی حادثه نیز بی‌گناه است و محروم ساختن او از جبران خسارت نیز محکوم کردن بی‌گناه است و مطابق این نظریه، مسأله شناسایی مسئولیت مدنی اشخاص در واقع مسأله مربوط به رفع تراحم بین حق زیان‌دیده و آزادی مالک شیء است که باید به نفع زیان‌دیده حل شود. البته نه در همه موارد؛ بلکه در جایی که اعمال حق با اضرار به دیگری ملازمه نداشته باشد.

درباره‌ی نظریه تضمین حق، گفته شده است که اگر حمایت از حق زیان‌دیده مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرد، این ایراد اساسی جلوه‌گر می‌شود که گاه عامل زیان نیز مطابق حق خویش رفتار کرده است، چرا باید همیشه حق زیان‌دیده را برای او مقدم داشت و تجاوز به حق دیگری را بدون توجه به مباح بودن کار متجاوز مبنای مسئولیت شمرد.

در نظریه تضمین حق بین خسارت بدنی و مالی از یک سو و خسارت معنوی و اقتصادی از سوی دیگر تفاوت گذارده شده است. در دسته‌ی نخست، قطع نظر از تقصیر عامل ورود زیان، در هر حال خسارت باید جبران شود و مسئولیت ناشی از آن مسئولیت نوعی است. لیکن در مورد خسارت معنوی و اقتصادی اگر همراه با زیان‌های بدنی و مالی نباشد مسئولیت در صورتی ایجاد می‌شود که مرتکب کار زیان‌بار مقصر باشد.

منابع قانونی مسئولیت مدنی پلیس:

پیدا کردن نگاه جامع و همه‌جانبه به مسئولیت مدنی مستلزم داشتن اشراف به کلیه منابع آن است حقوق ایران در نظام حقوق نوشته قرار دارد چرا که قانون مهم‌ترین منبع حقوقی به شمار می‌آید قوانین متعددی وجود دارد که حقوقدانان و قضات در مسائل مربوط به مسئولیت مدنی ضمن مراجعه به آن‌ها استناد می‌نمایند که مهمترین این قوانین می‌توان از قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی نام برد.

اول: منابع قانونی عام مسئولیت مدنی

سازمان انتظامی کشور به عنوان یکی از ارکان دولت در تابعیت ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و تحت فرماندهی مستقیم مقام معظم فرماندهی کل قوا انجام وظیفه می‌کند و دارای وظایف مختلف اداری، انتظامی، امنیتی و پیشگیری است و نیز می‌دانیم که دولت در معنای خاص فقط به قوه مجریه و هیأت دولت گفته می‌شود ولی در مفهوم عام، تمام ارکان حکومتی از جمله قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته را شامل می‌شود. بنابراین تمامی قواعد عام مسئولیت مدنی و منابع مسئولیت دولت درباره سازمان پلیس کاربرد دارد.

منابع قانونی خاص مسئولیت مدنی پلیس

علاوه بر منابع عام مسئولیت مدنی و منابع مسئولیت مدنی دولت که به معنای عام خود، از منابع مسئولیت مدنی پلیس به شمار می‌روند، مقنن در برخی مواد قانونی مبادرت به تقنین مقررات راجع به مسئولیت مدنی نیروهای مسلح (از جمله سازمان پلیس) نموده است. اگرچه این موضوع می‌توانست در دو مقوله‌ی «منابع مسئولیت مدنی نیروهای مسلح» و «منابع مسئولیت مدنی پلیس» تقسیم‌بندی شود اما به جهت رعایت اختصار و به دلیل اینکه در مباحث بعدی به این موضوعات اشاره خواهد شد از طرح آن خودداری گردیده است. در هر حال منابع خاص مسئولیت مدنی پلیس را می‌توان به این شرح بررسی نمود.

بند اول: قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳

این قانون اولین قانونی است که توسط مجلس شورای اسلامی درباره استفاده از سلاح توسط مأمورین مسلح تصویب و ابلاغ گردید. تا پیش از آن، مقررات جامعی در این باره وضع نگردیده و صرفاً در برخی قوانین پراکنده مواد یا مقرراتی در این باره وجود داشت.

بند دوم: قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

بر خلاف قانون به کارگیری سلاح که فاقد سابقه‌ی تقنینی است، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح دارای سابقه طولانی است. از اصل (۸۷) قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۶ ه.ش تا قانون تشکیل محاکم نظامی در سال ۱۲۹۹، یا قانون جزای نظامی ۱۳۰۱ و اداره دادرسی ارتش در سال ۱۳۰۶ و قانون اصول محاکمات نظامی ۱۳۰۷ ه.ش و قانون دادرسی و کیفر ارتش ۱۳۱۸ ه.ش و تا تصویب

قوانین راجع به مجازات و جرایم نیروهای مسلح پس از انقلاب که در نهایت با تصویب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ کلیه قوانین جزایی ماهوی قبل نسخ گردید.

قانون اخیر مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ مجلس شورای اسلامی است که در (۱۳۷) ماده و (۵۱) تبصره است که شامل مواد عمومی، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم بر خلاف تکالیف نظامی، فرار از خدمت، گزارش خلاف واقع، تقلب و دسیسه در امور نظام وظیفه و تصدیق نامه‌ها خلاف واقع، فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح، سرقت، آتش زدن و تخریب و اتلاف، سوء استفاده و جعل و تزویر، ارتشاء، اختلاس و اخاذی، استفاده غیرقانونی البسه رسمی یا علایم و نشان‌ها و مدال‌های نظامی و سایر مقررات است.

بند سوم: قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹

با تصویب قانون تشکیل نیروی انتظامی ایران مصوب ۱۳۶۹ شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی و پلیس قضایی ادغام و سازمان واحدی تحت عنوان «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» که به اختصار «ناجا» خوانده می‌شود به وجود آمده که امروز وظیفه برقراری نظم و امنیت را در کشور بر عهده دارد و پلیس ایران تحت همین عنوان است.

نتیجه‌گیری

۱- انتظاری که مردم از پلیس دارند آن است که رفتار آنان حتی با فردی که مرتکب جرم مشهود شده است، بسیار مودبانه و محترمانه و توأم با وقار و متانت باشد زیرا مردم پلیس را به عنوان پایگاه امنیت خود تلقی می‌کنند و به هیچ وجه نمی‌پذیرند که از ناحیه آنان متحمل خسارت جانی و مالی و روحی شوند، زیرا هیچ دلیل موجهی وجود ندارد تا اجرای وظایف پلیس، با اعمال خارج از نزاکت، اعم از اهانت، کتک‌کاری و ضرب و شتم و نظایر آن همراه باشد که ممکن است سازمان پلیس را با کسر حیثیت رو به رو سازد و موجبات بدبینی افراد جامعه را به سازمان پلیس فراهم آورد.

۲- از مجموع مطالبی که در خصوص مسئولیت مدنی سازمان پلیس مورد بررسی قرار گرفت چنین نتیجه می‌گیریم که علی‌القاعده مبنای چنین مسئولیتی بر نظریه تقصیر استوار است.

در قوانین بکارگیری سلاح، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، قانون آیین دادرسی کیفری،

قانون اجرای احکام و قانون آیین دادرسی مدنی؛ اصولاً مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است که گاه ممکن است این تقصیر، تقصیر جزایی باشد یا مدنی، بنابراین جبران خسارت گاهی همراه با مجازات است و گاهی بدون آن، معیار سنجش مسئولیت مدنی مقدار زیان وارده است ولی در مسئولیت کیفری «خطا یا تقصیر» است. در مسئولیت کیفری هدف حفظ و صیانت منافع جامعه است ولی هدف مسئولیت مدنی حمایت از منافع شخصی زیان دیده است.

اصولاً برای تحقق مسئولیت مدنی وجود تقصیر، فعل زیان بار - اعم از این که مستقیم موجب خسارت باشد یا غیرمستقیم - رابطه سببیت و ایجاد ضرر (اعم از معنوی و مادی)، ضروری است. به عبارت دیگر این چهار عنصر، ارکان اساسی تحقق مسئولیت است، که نبود هر یک از آنان موجب زوال مسئولیت مدنی می شود.

۳- به جز حکم ماده ۱۳ قانون بکارگیری سلاح که مسئولیت سازمان پلیس را به رسمیت شناخته است قاعده کلی در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از اقدام زیان بار پلیس مقرر نشده است. ماده ۱۳ قانون، منحصراً خسارت ناشی از بکارگیری سلاح را مورد توجه قرار داده است و در مواردی که خسارت وارده علت و مبنای دیگری داشته باشد ساکت است.

در قانون بکارگیری سلاح، مسئولیت مدنی کارکنان در اثر ایراد صدمات جسمانی به افراد محقق می شود و مسئولیت مدنی سازمان در اثر صدمات جسمانی وارده بر اشخاص ثالث و بی گناه توسط مأمورین و نیز خسارت وارده بر مأمورین در حین اجرای مأموریت تحقق می یابد. جبران خسارت وارده یا از بودجه سازمان و یا در اثر بیمه مسئولیت حرفه ای کارکنان، توسط بیمه ناچی امید، پرداخت می شود و در صورت عمدی بودن جرایم، توسط شخص (مأمور) جبران می شود.

۴- سازمان پلیس به عنوان جزئی از بدنه دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود، قواعد ناظر بر مسئولیت مدنی دولت بر مسئولیت مدنی پلیس نیز بار می گردد.

برای مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت مدنی افراد نباید به دنبال مبنای واحدی بود در صورتی که خسارت ناشی از عمل کارکنان دولت (پلیس) باشد. در به رسمیت شناختن مسئولیت دولت، نیازی به اثبات تقصیر نیست و چنین امری بر خلاف اخلاق و انصاف نیست بلکه به عکس بر خلاف عدالت و انصاف است که فردی خاص خسارت را تحمل کند و دولت نظاره گر باشد. جبران ضرر توسط دولت تنگدستی شخص معینی را سبب نمی شود و خسارت در میان تمامی شهروندان توزیع می شود.

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی ضرر مادی و معنوی ناشی از اشتباه قاضی توسط دولت جبران می‌شود و ادعا می‌شود که اگر چنین نباشد هیچ‌کسی به این کار پر خطر دست نمی‌زند و درست به همین جهت است که بایستی مسئولیت مطلق دولت در ارتباط با خسارت ناشی از اعمال پلیس نیز به رسمیت شناخته شود و در صورتی که اقدام زیان‌بار پلیس به صورت غیر عمدی واقع شده باشد، سازمان پلیس مسئول تلقی شود و چنانچه فعل زیان‌بار عمدی باشد سازمان و شخص پلیس به صورت تضامن مسئول جبران خسارت قرار گیرند اما از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی چنین فرض می‌شود که دولت در مقام اعمال حاکمیت مجبور به جبران خسارت نخواهد بود. از این رو به عنوان قاعده کلی امکان مطالبه خسارت از دولت در چنین مواقعی متصور نیست و تنها راه ممکن برای جبران خسارت، رجوع به پلیس مقصر می‌باشد. در حالی که پلیس هیچ نفع شخصی ندارد و دستورات سازمان خود را به منظور حفظ جان و مال مردم و جلوگیری از اقدامات تبهکارانه و نتیجتاً تأمین امنیت و آسایش در جامعه اجرا می‌کند و ممکن است از روی ضرورت و به ناچار اقداماتی مرتکب شود که نتیجه آن ورود خسارت است.

۵- از جمله آثار مترتب بر مسئولیت مدنی پلیس و سازمان، محکومیت سازمان یا کارکنان به جبران خسارت است. اگر مسئولیت در نتیجه تقصیر اداری بوده، در اثر نقص وسایل و ادوات اداری و یا در مواردی که شخص مأمور با رعایت مقررات و ضوابط مأموریت را انجام داده ولی فرد بی‌گناهی نیز دچار صدمه یا خسارت گردیده، سازمان محکوم خواهد شد اما در صورت تقصیر شخصی و حرفه‌ای، آثار متوجه کارکنان خواهد بود که حسب مورد ممکن است مسئولیت متوجه مأمور یا آمر گردد.

چنانچه پلیس اقدامات خود را مطابق ضوابط انجام دهد و مال متهم در این راستا تلف شود، نه پلیس مسئولیتی در این خصوص خواهد داشت و نه سازمان پلیس؛ زیرا فرض بر این است که با رعایت ضوابط شغلی توسط پلیس، علت اصلی تلف مال، اقدام زیان‌دیده بوده و مطابق قاعده اقدام، نمی‌تواند مطالبه خسارت کند. هر گاه خسارت وارده ناشی از تخلف پلیس از ضوابط حرفه‌ای و شغلی‌اش باشد مستقیماً پاسخگوی اعمال خود خواهد بود.

۶- جمع‌بندی نهایی بیانگر آن است که بیشترین دعاوی راجع به تیراندازی و تصادفات است و با وجود تلاش بسیاری که برای کاهش این آمارها صورت گرفته، اما ناکارآمد بودن، کافی نبودن برخی روش‌ها یا بی‌توجهی مأموران به برخی از این ضوابط، موجبات مسئولیت مدنی را فراهم می‌آورد. برای مثال با آن که تمامی تیراندازی‌ها به سمت اهداف متحرک (افراد در حال فرار یا خودروی در حال فرار)

است اما هنوز هم در مراکز آموزشی، تیراندازی به سمت اهداف ثابت، آموزش و تمرین می‌شود. حال آن که برابر ماده (۲) قانون بکارگیری سلاح و برخی مواد دیگر، سازمان موظف به آموزش کافی و متناسب با مأموریت محوله، به کارکنان است. دیدگاه ناصحیح برخی مأمورین و فرماندهان نیز ممکن است به افزایش آمار دامن بزند.

پیشنهادهای

۱- قوانین مربوطه به پلیس از طریق مجلس شورای اسلامی بررسی و بازنگری شود که با توجه به مواد پراکنده در قوانین، پیشنهاد می‌گردد:

الف- حتی‌الامکان ابهامات و نواقص قوانین فعلی پلیس برطرف و در این قوانین یک شفاف‌سازی کامل صورت گیرد و حداقل بر اساس قواعد موجود مسئولیت مدنی تبیین شود.

ب- با توجه به اینکه شغل و حرفه پلیس بیش از سایر شهروندان و مشاغل دیگر با خطر آمیخته و از طرفی انجام مسئولیت‌های خطیر، نیازمند آزادی عمل بیشتری است از جمله اینکه ترس از مسئولیت و فعل زیان‌بار، سبب خواهد شد پلیس نتواند با تمرکز کامل وظایف خود را انجام دهد که این امر مخل سیاست‌های کلی دولت (سازمان پلیس) محسوب می‌شود با این وصف باید مصونیت‌هایی برای کارکنان پلیس مانند آنچه در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده، پیش‌بینی گردد و پلیس باید حداقل از مصونیت نسبی برخوردار باشد تا هر زمانی که تصمیم منطقی و معقولی گرفت، هر چند تصمیم او اشتباه از کار درآمد از مسئولیت مدنی معاف گردد.

ج- قانون‌گذار بایستی قاعده‌ای عام و کلی تصویب نمایند که خسارت شهروندان غیرمقصر را به طور کلی و فارغ از منشأ ایجاد خسارات- استفاده از سلاح یا عدم استفاده از سلاح- به عهده دولت قرار دهد و این خلاء قانونی را جبران نماید.

د- با توجه به اینکه قواعد عام مسئولیت مدنی در بسیاری از موضوعات می‌تواند مورد استناد واقع شود لکن راه‌گشای همه مسائل مطروحه در حوزه مسئولیت مدنی پلیس، نیست و ضرورت دارد به موضوعاتی که خصوصیت ویژه وظایف پلیس اقتضا می‌کند، مانند نقض حریم خصوصی و استفاده از زور، پرداخته شود.

ه- لایحه‌ای که در جلسه مورخ ۸۲/۱۲/۳ راجع به حل معایب ماده ۱۱ مسئولیت مدنی به

مجلس ارائه شده- و در آن دولت مسئول جبران کلیه خساراتی که از ناحیهی کارکنان او به اشخاص حقیقی و یا حقوقی وارد می‌شود، شناخته شده است- بررسی و بازنگری و در تصویب آن تسریع گردد.

2- به نظر می‌رسد بیمه مسئولیت حرفه‌ای پلیس در کشور ما تا حد مطلوب آن - به نحوی که بتواند امنیت روحی و روانی مأمورین پلیس را تأمین کند- فاصله زیادی دارد و در حال حاضر تنها راه ممکن برای جبران خسارت، رجوع به پلیس مقصر می‌باشد که این امر می‌تواند در نحوه اجرای وظایف و تکالیف او نقش منفی ایجاد نماید و با هراس از اینکه مبادا خسارتی به دیگران وارد سازد یا بر علیه او طرح دعوی گردد اقدامات خود را مبتنی بر احتیاط قرار می‌دهد که با اصول و ضوابط فنی و شغل او مطابقت ندارد. لذا بهترین شیوه ممکن نهادینه کردن بیمه در سازمان پلیس می‌باشد به نحوی که بتواند هرگونه خسارتی اعم از مالی و جانی را تحت پوشش قرار دهد و تا زمان رفع هرگونه ابهام، نقص و سکوت در قوانین فعلی، راهکارهای ذیل برای کاهش تقصیرات در سازمان پلیس و در نتیجه کاهش دعاوی مسئولیت مدنی پلیس و بالا بردن انگیزه خدمتی کارکنان پیشنهاد می‌گردد:

الف- سازمان پلیس به عنوان شخص حقوقی و به نیابت از سوی حکومت (بیت‌المال) مکلف به جبران چنین خساراتی در نظر گرفته شود. این رویه با اصول و قواعد کلی هماهنگی بیشتری دارد زیرا اولاً هیچ‌گونه خسارتی بلاجبران باقی نمی‌ماند. ثانیاً پلیس غیرمقصر علی‌الاصول تکلیفی بر جبران خسارت ندارد اما به عنوان جبران خسارت ناشی از اعمال و اقدامات مخاطره‌آمیز (نظریه خطر) می‌توان سازمان پلیس را مسئول جبران خسارت در نظر گرفت بی‌آنکه تقصیری را به این سازمان نسبت داد. ثالثاً می‌توان مدعی شد که سازمان پلیس به عنوان نماینده جامعه در حفظ امنیت و آسایش آن به حساب می‌آید و جامعه نیز از اقدامات پلیس بهره می‌گیرد پس جامعه‌ای که از امتیاز، آسایش و آرامش بهره‌مند می‌شود بایستی بهای آن را نیز بپردازد و سازمان پلیس به عنوان نماینده آن مکلف به جبران خسارت است.

ب- تا حد امکان با استفاده از روش‌های علمی و تکنولوژی روز برای پیشبرد مأموریت‌ها در کمتر نمودن حضور فیزیکی پلیس تلاش گردد و همچنین با توجه به اینکه در اکثر مأموریت‌ها تیراندازی به صورت متحرک (فرار متهم، فرار خودرو) انجام می‌گردد، علاوه بر آموزش تیراندازی به سمت اهداف ثابت، تیراندازی به سمت اهداف متحرک نیز آموزش داده شود.

ج- سازمان پلیس به جهت ارتقای سطح علمی (کیفی و کمی) کارکنان خود باید علاوه بر

حذف هرگونه محدودیت‌های تحصیلی، تلاش نماید که پرسنل مربوطه با حوزه و دانشگاه و نهادهای قضایی، تعامل و ارتباط تنگاتنگ و مؤثر ایجاد نماید تا علاوه بر ارتقاء علمی کارکنان، با مساعدت این مراکز در آسیب‌شناسی و ارائه راهکارهای مؤثر برای کاهش میزان اشتباهات و اعمال مخاطره‌آمیز پلیس، تلاش گردد.

د- برگزاری کلاس‌های حین خدمت و آموزش‌های مکرر نحوه بکارگیری سلاح و قوانین مرتبط با آن و آموزش‌های حقوقی و به روز نمودن اطلاعات و بالابردن سطح آگاهی‌های پرسنل برابر رویه‌های قضایی و آموزش دروس عقیدتی، اخلاقی و صیانتی و روان‌شناسی که در جهت ارتقای مهارت کارکنان و کاهش تقصیرات پلیس مؤثر خواهد بود.

ه- با بکارگیری نیروهای متعهد، مؤمن، شجاع، خلاق و کارآمد برای هدایت و نظارت و اجرای امور به عنوان مدیر و نیز تربیت کارکنان متخصص و مؤمن برای آموزش پرسنل جدیدالورود و پرسنل وظیفه، از ایجاد هرگونه حادثه احتمالی و زیان‌بار و در نتیجه تحمل هزینه به پلیس و سازمان پلیس، پیشگیری شود.

منابع

الف. کتب

- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، تابستان ۱۳۸۹
- بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی ۴- مسئولیت مدنی، چاپ اول، نشر میزان تهران، تابستان ۱۳۸۸
- پاتریس ژوردن، ترجمه مجید ادیب، اصول مسئولیت مدنی، نشر میزان تهران، ۱۳۸۲
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲ انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸
- محشای قانون مدنی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم ۱۳۸۷
- رضوی، محمد، حقوق کیفری نیروهای مسلح، دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول، تهران، بهار

۱۳۸۶

- ره‌پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، انتشارات خرسندی، چاپ یازدهم، تهران،

۱۳۸۹

- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، انتشارات ققنوس، چاپ اول،

تهران ۱۳۸۰

- شعاریان، ابراهیم- جباری، منصور، مسئولیت مدنی پلیس، انتشارات فروزش، چاپ اول،

تبریز، ۱۳۸۸

- صفری، محسن، فریبکاری و آثار آن (قاعده غرور) در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه، چاپ

اول، نشر دادگستر، تهران بهار ۱۳۷۷

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و نهم، تهران، ۱۳۸۳

- غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، تهران، نشر دادگستری، چاپ

اول ۱۳۷۴

- قاسم‌زاده، سید مرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرار داد، میزان تهران، ۱۳۸۶

- مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۸۷

- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرار داد: ضمان قهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه

تهران، سال ۱۳۸۲

- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی- مسئولیت مدنی، ویرایش جدید، شرکت سهامی انتشار، چاپ.

تهران ۱۳۸۹ سوم،

- مالمیر، محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، دادگستر، تهران، چ، اول،

زمستان ۱۳۸۳

- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، مالکیت و مسئولیت، ویرایش دوم، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۸۲

ج . پایان نامه ها

- امین زاده، آرش، مفهوم تقصیر در ارتباط با شروط تحدید، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد دامغان، ۱۳۸۶
- گل برارزاده شیرتبار، علی، بررسی اصول و مبانی فقهی، مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ملک زاده، سلیمان، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر پلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران ۱۳۸۹

